

# عوامل مؤثر در سیاستگذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴

علی ربیعی\*

زهره نظریان\*\*

## چکیده

امروزه و در اکثر کشورها، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و جمعیت دانشجویی، دولت‌ها را از تأمین بودجه و امکانات لازم برای دانشگاه‌ها ناتوان ساخته است؛ لذا دانشگاه‌ها برای انجام برنامه‌ها و تحقق اهداف خود تلاش می‌کنند روش‌های مختلفی برای تأمین هزینه‌های خود به کار گیرند، بدون آنکه از مسیر اصلی خود که تولید علم و دانش است، منحرف شوند. در این راستا، خصوصی‌سازی به عنوان یک سیاست گسترش آموزش عالی و نیز تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها به حساب می‌آید که می‌تواند دارای آثار و نتایج مثبت و همچنین عواقب منفی باشد. هدف این مطالعه، شناسایی مهم‌ترین آثار خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی در ایران است. بدین منظور پس از بررسی مباحث نظری، کوشش می‌شود تا به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود: مهم‌ترین تبعات خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران چه می‌تواند باشد و چه راهکارهایی را می‌توان جهت حذف و یا کاهش آثار منفی آن به کار برد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آثاری چون افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، افزایش استقلال دانشگاه‌ها و ایجاد انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه‌ها و ارتقای وضعیت علمی در نظام آموزش عالی بنا بر نظرات کارشناسان دارای اهمیت بیشتری است.

## واژگان کلیدی

خصوصی‌سازی، آموزش عالی، اصل ۴۴ قانون اساسی

Email: alirabiee@pnu.ac.ir

\* دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران

Email: z.nazarian184@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه پیام نور تهران

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۲۱

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۱/۲۴

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۶۱ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۲۴۶-۲۴۷

## مقدمه و طرح مسئله

کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره مقابله با تبعیض در آموزش، مصوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰، آموزش را به عنوان حقی برای عموم اعلام نموده (Hayton & Paczuska, 2002) و در سال‌های جاری، این مفهوم به همراه مفهوم «جامعه یادگیرنده»<sup>۱</sup> ابعاد تازه‌تر و پرننگ‌تری به خود گرفته است و تحت عنوان «حق یادگیری»<sup>۲</sup> مورد تأکید قرار می‌گیرد. حق دانستن، یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های جامعه یادگیرنده است (Brown, 2002). علاوه بر این، دسترسی بیشتر به آموزش عالی، توزیع عادلانه‌تر منابع و بودجه در آموزش عالی در مقایسه با سایر بخش‌ها توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را به خود جلب نموده است (معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹، ص ۴). تغییراتی که در بخش‌های مختلف جامعه به خصوص در ارتباط با محیط‌های سیاسی، اجتماعی و صنعتی در بسیاری از کشورها رخ داده، تقاضاها، انتظارات را افزایش داده و قوانین جدیدی در این بخش ایجاد کرده که به دنبال آن مؤسسات آموزش عالی با

چالش‌های متعددی مواجه شده‌اند؛ (OECD, 2007, p.17) از جمله مهم‌ترین چالش‌ها نگرانی در مورد عدم توانایی دولت در تأمین بودجه آموزش عالی در مقایسه با سایر وظایف اصلی اوست (Barr & Crawford, 2005). در این میان نتایج حاصل از بررسی الگوهای متداول بازتوزیعی در آموزش عالی بر هدفمند ساختن روش‌ها و سازوکارهای بازتوزیعی از طریق تخصیص مجدد منابع ملی و اختصاص یارانه‌های عمومی و جلب کمک‌های بشردوستانه خصوصی در یک اقتصاد مختلط تأکید دارند و اینکه لازم است تا آموزش عالی همچون کالای شبه عمومی و از طریق سیستمی دو رگه به صورت دولتی و خصوصی ظاهر شوند (جیمز، ۱۳۸۱). تحولات مهمی که آموزش عالی در قرن بیستم شاهد بوده و مشکلاتی که با آن مواجه شده، اقتصاددانان را بر آن داشته تا در ابتدای قرن بیست و یکم، به دو نکته اساسی توجه ویژه کنند: دانشجویان باید مشارکت بیشتری در هزینه‌های دانشگاهی داشته باشند و دانشگاه‌ها باید از قیدوبند برنامه‌ریزی متمرکز دولتی آزاد شوند. بی‌شک این به آن معناست که دانشجویان، خانوارها، صنعت و کمک‌های مردمی در تأمین مالی آموزش عالی نقش بیشتری داشته باشند. این توضیح لازم است

1. Learning society  
2. Right to know

منظور استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و تحقق اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. در این مطالعه، پیامدهای خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی کشور از پنج بعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، علمی و ساختار اداری بررسی می‌شود. مسئله و سؤال اصلی این پژوهش این است که در نتیجه اجرای خصوصی‌سازی آموزش عالی، چه آثار و پیامدهایی می‌تواند به وجود آید و برای رفع آثار و تبعات منفی آن از چه راهکارها و سیاست‌هایی می‌توان استفاده نمود.

## ۱- آموزه‌های نظری

### خصوصی‌سازی آموزش عالی:

اصطلاح خصوصی‌سازی در آموزش عالی، بر فرآیند یا گرایشی اطلاق می‌شود که در آن دانشگاه‌ها و مدارس عالی (اعم از دولتی و خصوصی) منش‌ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را پیش بگیرند (جانستون، ۱۳۸۳) و به دنبال دستیابی به حداکثر کارایی و بهره‌وری و درآمد باشند (Bistang, 2005, p.4). و این به معنی یک سری فعالیت‌هایی است که در دانشگاه اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود تا دانشگاه‌ها خدماتی

که بخش خصوصی نیز در کنار دولت باید تلاش کند تا آموزش عالی به نحو بهتری به اهداف سه‌گانه خود یعنی کیفیت، کارایی و عدالت اجتماعی دست یابد (عمادزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶). در ایران نیز با تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و برنامه‌های سوم و چهارم توسعه صراحتاً بر توسعه بخش خصوصی کشور تأکید شده و در زمینه آموزش عالی اقداماتی همانند تأسیس دانشگاه‌های آزاد اسلامی، غیر انتفاعی، علمی - کاربردی و دوره‌های شبانه صورت گرفته است که با وجود اقدامات انجام‌شده، آموزش عالی کاملاً خصوصی در کشور ایجاد نشده و این دانشگاه‌ها صرفاً به شکل غیر دولتی به فعالیت مشغول هستند. در این میان آنچه مهم است بررسی پیامدهایی است که از فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی حاصل می‌گردد. این آثار می‌توانند به دو صورت آثار مثبت و یا منفی ظاهر گردند. این پژوهش با توجه به این مهم و بنابر اهمیت آموزش عالی و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور، سامان یافته و در آن تلاش گردیده تا آثار و تبعات واگذاری دانشگاه‌ها به بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. هدف از این پژوهش بررسی آثار و تبعات ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی کشور، ارائه راهکار به

را که دولت به نام الزامات مالی به آنها عرضه می‌کند، قطع کرده و به یافتن منابع جدید مالی بپردازند، تصدی‌گری دولت را کاهش و شهریه‌ها و حق‌التدریس را افزایش دهند. همچنین خصوصی‌سازی شامل تمرکز بیشتر بر تصمیم‌گیری در داخل دانشگاه، افزایش استقلال علمی و توسعه منابع مالی خصوصی است (NEA, 2004). امروزه دانشگاه‌ها به‌طور فزاینده بر نقش خود در تأمین منابع مالی قابل استفاده برای ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود تأکید دارند، زیرا آنها بیش از پیش خود را در یک محیط به شدت رقابتی و غیر حمایتی می‌بینند (هاشم‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵). به اعتقاد جونز در دنیای واقعی، به سختی می‌توان گفت که دانشگاه‌های کاملاً خصوصی یا کاملاً دولتی وجود دارند. ممکن است مؤسساتی که از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند، دارای هیئت مدیره یا هیئت امنای غیردولتی باشند؛ یا اینکه مؤسساتی که اعتبارات آنها از بخش خصوصی تأمین می‌شود، اغلب با مقررات و قوانین دولتی اداره شوند (جونز، ۱۳۸۳). امروزه در اغلب کشورها اصلاح یا تحول در نظام تخصیص منابع مالی به عنوان ابزار مهمی در زمینه مدیریت نظام آموزش عالی در نظر گرفته

شده (عزتی و نادری، ۱۳۸۸، ص ۲۵) به گونه‌ای که به آرامی به مؤسساتی که بیش از پیش با محرکه‌های بازار رقابتی و الزامات بازرگانی و اقتصادی هدایت می‌شوند، تبدیل شده و از هویت دولتی خود فاصله گرفته‌اند، چنان که امروزه بسیاری از این مؤسسات درصد بالایی از منابع خود را از منابع خارجی، شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و بازرگانی تأمین می‌کنند (مهرگان، ۱۳۸۸، ص ۵۸) دانشگاه‌ها در دنیای رقابتی‌تر شده امروز برای تضمین دسترسی و برابری در آموزش عالی به تنوع‌بخشی منابع تأمین مالی خود پرداخته‌اند (Katharine & Lyall, 2006) و به ندرت صرفاً به صورت یک مؤسسه غیر انتفاعی تلقی می‌گردند و کم‌وبیش ناگزیرند که برای تنوع و توسعه منابع مالی و اعتباری خود، با بنگاه‌ها تعامل داشته و از سرمایه‌ها و امکانات و تجهیزات و اطلاعات آنها استفاده کنند و از منابع اختصاصی برای خود تولید درآمد کنند (Etzkowitz, 2001). عقاید متفاوتی در مورد اثر خصوصی‌سازی بر کارایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وجود دارد. میل‌تون فریدمن<sup>۳</sup> معتقد است که آموزش عالی را باید بیشتر به حال خود گذاشت؛ زیرا این

3. Milton Friedman

سبب شده تا دانشجویان از خانواده‌های کم‌درآمدتر در دسترسی به آموزش عالی با مشکل مواجه شوند و این در حالی است که در بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو که با موضوع آموزش عالی و پژوهش برای تغییر اجتماعی و توسعه در ژوئیه ۲۰۰۸ در پاریس برگزار شد، آمده است که آموزش عالی خصوصی علاوه بر نقش عمده‌ای که در ارتقای قابلیت دسترسی و تضمین برابری ایفا کرده است، باید از رفاه دانشجویان و حمایت‌های مناسب مادی از دانشجویان محروم و حاشیه‌نشینان اطمینان حاصل کند (یونسکو، ۲۰۰۹). از این رو دولت‌ها می‌کوشند تا با اعطای کمک‌هزینه‌ها، وام و بورس‌های تحصیلی و تسهیلات ویژه‌ای چون هدایا و جوایز بر این مشکل غلبه کنند. اغلب کشورهای پیشرفته برای آموزش غیر اجباری به خصوص آموزش عالی یارانه می‌پردازند که گرایشی عدالت‌جویانه دارد (Garsia & Walde, 2000). در برخی از کشورها نیز تعداد خاصی از دانشگاه‌های رایگان (یا با هزینه‌های خیلی پایین) وجود دارند که دولت به آنها کمک‌هایی اعطا می‌کند (2007, Marcucci & Johnstone). همچنین در برخی کشورها، دولت‌ها مردم را تشویق می‌کنند که به بخش خصوصی آموزش عالی

مؤسسات که دولت آنها را اداره می‌کند، باید از طریق دریافت شهریه مخارج خود را تأمین کنند. وی بر این عقیده است که مخارج آموزش تخصصی و حرفه‌ای را باید آنهایی پردازند که از آن بهره‌مند می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۷۵). به علاوه نرخ بازدهی اجتماعی و خصوصی آموزش ابتدایی نسبت به نرخ‌های مشابه در سطح آموزش متوسطه و عالی بیشتر است (پولوس و وودهال، ۱۳۷۳). تحقیقات بیانگر این مطلب است که همواره کشورها سیاست‌های متفاوتی را جهت گسترش بخش خصوصی اتخاذ نموده‌اند که مهم‌ترین آنها چگونگی تأمین منابع مالی است. برای افزایش منابع مالی در بخش خصوصی آموزش می‌توان به مواردی چون کمک‌های مردمی، اخذ مالیات، اخذ شهریه در کنار اعطای وام و بورس تحصیلی اشاره نمود (محمودی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱). خصیصه مشترک تدارک آموزش عالی آن است که شهریه یکی از منابع اصلی درآمد به شمار آید (Boyd, 1999). به طوری که برای مثال ۵۰ درصد دانشجویان در اوکراین (Cabinet of Ministers of Ukraine Decree, 2008). ۷۳ درصد در برزیل و ۸۳ درصد در ایران (وب سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) شهریه می‌پردازند و این

کمک کنند. این امر مستلزم ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت‌هایی است که تمایل به پرداخت کمک‌های مالی برای مقاصد آموزشی دارند ( Council for aid to Education, 2010).

در ده سال گذشته، کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران دارای رشد خوبی بوده است. هم‌اکنون حدود سه میلیون و هفتصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیل اند که در این میان سهم بخش غیر دولتی غیر قابل انکار است (آراسته و اسفندیاری، ۱۳۸۹، ص ۱۶). بحث خصوصی‌سازی در آموزش عالی برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ با مسئله خصوصی‌سازی و واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح شد. این طرح که به دلیل محدودیت شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. همچنین مصوبه برنامه دوم توسعه مبنی بر پرداخت ۳۰ درصد هزینه تحصیل از سوی دانشجو نیز به تصویب نرسید. در بند ۴ و ۵ خط‌مشی‌های اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه، بر ایجاد زمینه‌های مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی غیردولتی تأکید شده و این روند توسط دولت پیگیری شده است.

(دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵). در این راستا ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نمود آن در برنامه چهارم توسعه تأکیدی بر ادامه سیاست‌های اعمال محدودیت تصدی‌گری دولت و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاست‌های این اصل می‌تواند زمینه‌های لازم را در جهت اجرای خصوصی‌سازی در دانشگاه‌ها را فراهم آورد. نمونه‌های زیر شکل‌هایی از آموزش عالی خصوصی در ایران است: ۱. مؤسساتی که هزینه کامل خود را از استفاده‌کنندگانی نظیر دانشجویان یا کارفرمایان تأمین می‌کنند، اما تحت نظر برنامه‌ریزی‌های دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌شوند، مانند دانشگاه‌های غیر انتفاعی و آزاد. ۲. شکل میانه‌ای از خصوصی‌سازی که در آن دولت با اهداف غیر انتفاعی، آموزش عالی را ارائه می‌دهد، اما سهم قابل توجهی از منابع آن از دولت، دانشجویان و خانواده‌های آنان تأمین می‌شود، مانند دوره‌های شبانه و کارشناسی ارشد آموزش‌محور (رحیمی کلشادی، ۱۳۸۸).

در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور و خارج از آن تحقیقات متعددی صورت گرفته است، برای نمونه رفیع پور (۱۳۸۱) به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر

الگوی جامع را برای همه کشورها ارائه نمود. مک کوآن (۲۰۰۴) رشد و کیفیت دانشگاه‌های خصوصی‌شده در برزیل را تحقیق کرد و مورا (۲۰۰۵) در بررسی و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در امریکای لاتین بیان نمود که مشکل عمده در این کشورها، فقر مردم است که مانع از پیشبرد طرح‌های خصوصی‌سازی می‌گردد. Stromqvist (۲۰۰۶) در تحقیق خود به رابطه بین تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی در آموزش عالی پرداخت. Sivalingam (۲۰۰۶) در مقاله خود فاکتورهای ظاهری حاصل از خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها یعنی کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت را در مالزی طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۰ تحقیق کرد. Lyall و همکارش (۲۰۰۶) نیز در مقاله‌ای روند خصوصی‌سازی در آموزش عالی امریکا را بررسی و بیان می‌کنند که میزان واقعی حمایت‌های مالی ایالتی از دانشگاه‌ها در این کشور به نسبت گذشته کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که دانشگاه‌های ایالتی مجبورند به سراغ سایر منابع تأمین مالی (به خصوص افزایش شهریه) بروند. تیلاک (۲۰۰۸) با توجه به تفاوت‌های موجود در تقاضای ورود به دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف آسیایی، گرایش دولت‌ها به خصوصی‌سازی آموزش

اثربخشی واحدهای واگذارشده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس پرداخت؛ نتایج تحقیقات وی نشان داد که خصوصی‌سازی سبب افزایش کارایی و نیز بهبود کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط واحدهای واگذارشده به بخش خصوصی می‌گردد. ملکی (۱۳۸۵) مؤلفه‌های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور را تعیین و با شناسایی هفت مؤلفه اصلی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزش و فرهنگ، جهانی شدن، ساختاری و مجازی) مؤلفه‌های مؤثرتر را شناسایی و در نهایت مدلی را استخراج و ارائه نمود. ذاکر صالحی (۱۳۸۸) نیز به بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران پرداخته و در نهایت راهکارهایی را ارائه نمود. جعفری (۱۳۸۹) در مقاله خود به ارائه مدلی مناسب برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در ایران پرداخت. Smolicz (۱۹۹۹) خصوصی‌سازی در آموزش عالی چهار کشور فیلیپین، استرالیا، لهستان و ایران را بررسی کرد. وی به بررسی شرایط و سیستم آموزش عالی در این چهار کشور اکتفا و بیان می‌کند که شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کدام از این کشورها، نوعی از خصوصی‌سازی را می‌طلبند و نمی‌توان یک

عالی را در ۱۱ کشور این قاره مورد تحقیق قرار داد. Holzacker و همکارانش (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی خصوصی سازی دانشگاه‌ها را در چهار کشور اوکراین، مغولستان، برزیل و هلند را بررسی کردند. در مقطع اخیر تحقیقاتی که به طور جامع به بررسی خصوصی سازی در آموزش عالی و دانشگاه‌های دولتی کشور پردازد، صورت پذیرفته است و این ضرورت بررسی و تحقیق در این رابطه را آشکارتر می‌سازد.

#### استقلال<sup>۴</sup> دانشگاهی و رابطه آن با خصوصی سازی: دانشگاه نهادی است

نیازمند استقلال علمی و سازمانی و برخوردار از آزادی‌های علمی<sup>۵</sup> که در آن استادان، محققان، دانشجویان، کارشناسان و کارکنان بهره‌مند از اطمینان و امنیت فکری، شغلی، مالی، سیاسی و اجتماعی بتوانند به تولید اندیشه و دانش و تعمیق تعهدات اجتماعی پردازند (معین، ۱۳۸۳، ص ۲۰). استقلال دانشگاهی و مدیریت خودگردان دانشگاه را خود دانشگاهیان تعریف کرده‌اند؛ بدین صورت که جمهور دانشگاهیان خودشان دانشگاه را به عهده دارند و نظام دانشگاهی را کنترل می‌کنند و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می‌گیرند (فراستخواه،

۱۳۸۹، ص ۱۱). مفهوم استقلال دانشگاهی یک مفهوم ثابت و پایدار در طول زمان نبوده؛ اما احتمالاً مفهوم استقلال نتیجه‌ای است از تعامل سه‌جانبه بین دانشگاه، دولت و جامعه که طی آن مفهوم استقلال، اصلاح و بازتعریف می‌شود (IAU, 2000). در استقلال دانشگاه‌ها عوامل مختلفی وجود داشته، اما مهم‌ترین آن عوامل بر استقلال دانشگاهی در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته عبارت‌اند از:

۱. سنت‌ها و هنجارهای تاریخی «اجتماع علمی»؛
۲. خاستگاه غیر دولتی دانشگاه و تکوین و توسعه آن در بیرون دولت؛
۳. وجود منابعی برای دانشگاه‌ها علاوه بر منابع عمومی دولتی و از طریق بخش خصوصی و غیر دولتی؛
۴. جنبه‌های خصوصی یا غیرانتفاعی دانشگاه (فراستخواه، ۱۳۸۲). در همین راستا یکی از مهم‌ترین مسایل «وجود آزادی علمی» در دانشگاه‌هاست. معنای آزادی علمی آن است که اعضای جامعه علمی در فعالیت‌های تحقیقاتی، آموزشی و تحصیلی و خدمات و مشارکت‌های علمی خود از هرگونه تبعیض مصون باشند و هیچ‌گونه مداخله یا سرکوب از سوی دولت‌ها یا دیگر سازمان‌ها و منابع آنها را تهدید نکند (World University Service, 2002) در مورد رابطه استقلال سازمانی دانشگاه (اعم از دولتی و

4. Autonomy

5. Academic freedom



### عواقب و پیامدهای خصوصی سازی:

خصوصی سازی آموزش عالی دولتی، هم دارای آثار و نتایج مثبت و هم دارای عواقب منفی است. از جمله آثار خصوصی سازی این گونه مؤسسات می توان به افزایش انگیزه برای عملکرد کارآتر و توجه بیشتر به خواست مشتریان در یک بازار رقابتی اشاره کرد (روشن، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹). دانشگاه های خصوصی همواره برای جذب دانشجویان جدید با دانشگاه های دولتی رقابت می کنند. آنها این کار را با اختصاص منابع مالی بیشتر به منظور بازاریابی انجام می دهند، تنوع محصولات خود را افزایش می دهند و تلاش می کنند که بیشتر مشتری مدار شوند (یونسکو، ۲۰۰۹). باید در نظر داشت که در اغلب موارد خصوصی سازی شکل کاملاً تجاری به خود می گیرد و دانشگاه ها تشویق می شوند که رفتار تجاری و شبه بازاری پیش گیرند (Narayana, 2006) آنها می دانند که داشتن نگرش کارآفرینانه، برای رقابت موفقیت آمیز در بازار آموزش عالی مورد نیاز است. از دیدگاه اقتصاد آموزش عالی، دانشگاهی که بیش از اندازه به بودجه های مستقیم دولتی آن هم در شکل نفتی و پترودلار وابسته باشد، چندان انتظار نمی رود که نقش کارآفرینانه ای را در پیش بگیرد.

خصوصی) و خصوصی سازی می توان گفت که خصوصی سازی آموزش عالی معمولاً می تواند یک عامل کمک کننده به استقلال دانشگاهی باشد، چرا که حداقل در تئوری، با افزایش رقابت، تقاضای مؤسسات آموزش عالی برای آزادی عمل سازمانی افزایش می یابد (روشن، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸). دانشگاه ها بدون تنوع منابع مالی و اعتباری و در عین حال وابستگی شدیدی که به بودجه دولتی دارند، نمی توانند گوهر استقلال و آزادی علمی خود را صیانت بکنند. لات<sup>۶</sup> تأمین زیاده از حد دانشگاه از طریق بودجه دولتی را مهم ترین مانع تحقق آزادی علمی دانسته است. به نظر وی، میان آزادی علمی و تأمین بودجه صرفاً از طریق دولت نوعی تناقض وجود دارد. مدیران یک چنین دانشگاهی ممکن است شعارهای بلند و بالای استقلال و آزادی را تکرار کنند، ولی در عمل اتفاق دیگری می افتد. تاسکر<sup>۷</sup> نیز وابستگی دانشگاه ها به بودجه دولتی رادر دنیای رقابتی که به صورت مداوم، محدودیت منابع به منزله یک مشکل اساسی خود را نشان می دهد، خطر بزرگی برای آینده دانشگاه ها و آزادی علمی آنها می داند (فراستخواه، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

6. Lott  
7. Tasker

برعکس در یک الگوی رقابتی از عرضه و تقاضا، احتمال بیشتری دارد که آموزش عالی به کارآفرینی سوق بیابد (Upcraft and Moore, 1990). اما از سویی دیگر انتقال تکنولوژی و کارآفرینی‌های دانشگاهی یکی از خطرناک‌ترین تله‌هایی است که پیشاروی دانشگاه‌های خصوصی گسترده شده است (Tadmor, 2006). انگیزه کسب سود می‌تواند بر استقلال و خود مختاری پژوهش‌ها تأثیر گذارد و ایده فناوری و پیشرفت را در اختیار خود گیرد (Weiss, 1996). از طرفی با افزایش فشار بازار، آرمان دانشگاه‌های نخبه‌گرا برای تربیت دانشجویان به عنوان «شهروندان فرهیخته آینده» روز به روز به فراموشی سپرده می‌شود و از دانشجویان به عنوان مشتریان آموزش عالی یاد می‌شود. فراهم‌کنندگان جدید آموزش عالی همواره در تلاش‌اند که «مهارت‌های ذهنی» را به دانشجویان آموزش دهند و آنان را برای موفقیت در بازار کار آماده سازند (Kwiek & Mickiewicz, 2003) که این دیدگاه با روح انسان‌سازی دانشگاه‌ها در تضاد است. در بحث افزایش دسترسی به آموزش عالی، همواره سهم بخش خصوصی از نظر دور مانده است. اما شواهد نشان می‌دهد که حضور بخش خصوصی در افزایش فرصت‌های

دسترسی به آموزش عالی به ویژه برای دانشجویان قشرهایی با توانایی پائین تر تأثیر داشته است (Roksa, 2008). دسترسی افراد متعلق به خانواده‌های با درآمد کم یا متوسط به دنبال افزایش شهریه‌ها کاهش می‌یابد و چنین جنبه‌ای از افزایش قشربندی دانشجویان به نفع افراد با درآمد بالاتر، استلزامات دموکراسی را به چالش می‌کشد. اگرچه وام‌های اعطاشده از طرف بانک‌های تجاری و دانشگاهی، بورس تحصیلی رایگان و شکل‌های دیگر پرداخت کمک هزینه تحصیلی از سوی دولت و دانشگاه، سازوکارهایی هستند که هزینه‌های افزایش‌یافته آموزش عالی را متعادل می‌کنند، اما میزان دستیابی به این منابع برای همه دانشجویان و خانواده‌هایی که متقاضی دریافت چنین وام‌هایی هستند، تضمین نشده است. با این حال افزایش شهریه دانشجویان ممکن است تأثیر منفی در زمینه کاهش ثبت نام دانشجویان محروم و مستعد داشته باشد (Boarini et.al, 2008). ارائه یارانه‌های هدفمند به فارغ‌التحصیلان بیکار، بخشودگی هرگونه وام بازپرداخت‌نشده افراد کم‌درآمد و کارکنان شاغل در بخش دولتی، از جمله سیاست‌هایی هستند که به منظور تضمین برابری و افزایش قابلیت دسترسی به آموزش

عملکرد استادان است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند در ایران، کیفیت تحصیل و پژوهش در دانشگاه‌های غیردولتی و خصوصی بسیار پایین‌تر از دانشگاه‌های دولتی است. این تفکر در میان عامه مردم نیز به چشم می‌خورد. دانشگاه‌های بخش خصوصی به دلیل اینکه پژوهش یک فرآیند بلندمدت است و احتمالاً در کوتاه‌مدت بازده اقتصادی ندارد، توجه کافی به این امر خطیر ندارد. از طرف دیگر به علت پرهزینه‌بودن تحقیقات، تقریباً تمامی دانشگاه‌های خصوصی، مسئله تحقیقات را که عاملی ضروری در توسعه آموزش عالی است، به دست فراموشی سپرده‌اند (روشن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). همچنین تحقیقات نشانگر این مطلب است که عملکرد هیئت‌های علمی در دانشگاه‌های خصوصی به مراتب پایین‌تر و ضعیف‌تر از دانشگاه‌های دولتی است. شرایط کاری استادان در بخش خصوصی تأثیری منفی بر نوآوری در تدریس و انعطاف‌پذیری در آموزش عالی دارد؛ به‌طور کلی استادان در این مراکز دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند و دلگرمی برای انجام پژوهش و تحقیق ندارند. بودجه‌های اختصاص‌یافته به تحقیق و پژوهش پایین بوده و از آن استقبال نمی‌شود. به همین علت استادان مجبور به

عالی به کار می‌رود (Barr, 2004). در مورد ایران نیز به طور کلی به نظر می‌رسد که هزینه و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بسیار بالاست، به‌طوری که تنها دارندگان درآمدهای متوسط و بالا قادرند در این مراکز تحصیل نمایند و دانشجویان کم‌درآمد و بی بضاعت به واسطه اینکه توانایی پرداخت مخارج و شهریه این دانشگاه‌ها و مؤسسات را ندارند، از گردونه انتخاب خارج می‌شوند و در نتیجه معمولاً دانشگاه‌ها و مراکز عالی خصوصی مشتریان توانگر را جذب می‌کنند (روشن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). از سویی دیگر گرچه نظام آموزش عالی در این کشور یک نظام متمرکز محسوب می‌شود که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن توسط چند دستگاه رسمی دولتی انجام می‌گیرد؛ اما عمده هزینه‌های آن بر دوش مردم است. به طوری که بیش از چهار پنجم دانشجویان در ایران در دوره‌های شهریه‌ای مشغول به تحصیل‌اند و بخش عمومی، مسئولیت کمی در قبال تأمین هزینه‌های آموزش عالی برعهده دارد (روشن، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳). نگرانی دیگر مربوط به برنامه‌ریزی درسی و تعیین محتوای دروس و کاهش کیفیت تحصیلی و نیز کاهش کیفی

۵. مهم‌ترین آثار ساختار اداری ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور چیست؟

### ۳- روش تحقیق

این پژوهش متکی بر یک مطالعه زمینه‌یاب از نوع اکتشافی و به صورت کیفی و کمی است که در بخش ادبیات نظری از روش مطالعات اسنادی استفاده شده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از نظرات کارشناسان، تصویر جامع‌تری از عواقب خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها در کشور ارائه و مهم‌ترین تبعات آن معلوم گردد. همچنین به صورت همزمان با استفاده از نظرات استادان و مدیران دانشگاهی و رؤسای مؤسسات غیر انتفاعی، راهکارهایی جهت کاهش و یا رفع آثار منفی آن اخذ و طبقه‌بندی شده است.

این تحقیق در سه مرحله صورت پذیرفته است:

#### مرحله اول: چون موضوع

خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران موضوعی است غیر ساخت‌مند و پیچیده، بنابراین برای استخراج مهم‌ترین آثار ناشی از آن از روش مصاحبه استفاده شده است. در این راستا سؤالات مصاحبه با توجه به اهداف تحقیق و سؤالات مربوط به آن تهیه و تدوین گردید که از نوع نیمه ساخت‌مند و محقق

داشتن شغل‌هایی دیگر هستند (Paggotti, 2001). در چنین موقعیت‌هایی، دانشگاه‌های خصوصی تعداد استادان تمام وقت خود را به حداقل ممکن می‌رسانند و در نتیجه وضعیت کیفیت تدریس بسیار نگران‌کننده است (Bat-Erdene, 2007).

### ۲- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی تحقیق: مهم‌ترین آثار و تبعات ناشی از خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور کدام‌اند؟ چه راهکارهایی برای کاهش و یا رفع آثار و تبعات منفی خصوصی‌سازی در آموزش عالی وجود دارد؟

#### سؤالات فرعی:

۱. مهم‌ترین آثار اقتصادی ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور چیست؟
۲. مهم‌ترین آثار سیاسی ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور چیست؟
۳. مهم‌ترین آثار علمی ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور چیست؟
۴. مهم‌ترین آثار فرهنگی و اجتماعی ناشی از خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور چیست؟

ساخته بود. در این میان ۲۰ تن از استادان شاغل به تدریس و کارشناسان مربوطه در حوزه‌های آموزش عالی، علوم سیاسی، اقتصاد و حقوق و علوم اجتماعی انتخاب شدند (دلیل انتخاب این افراد ارتباط ابعاد پنج‌گانه سؤالات فرعی تحقیق با تخصص این افراد می‌باشد). در زمان مصاحبه نخست در خصوص هدف کلی تحقیق و سؤالات اصلی و فرعی آن، توضیحات لازم داده می‌شد و پس از آن سؤالات مربوطه مطرح می‌گردید. با وجود محدودیت وسعت کم جامعه، از طریق مصاحبه‌های عمیق، اعماق و زوایای موضوع مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین آثار در پنج بعد استخراج گردیدند. **مرحله دوم:** به کمک مؤلفه‌های به‌دست‌آمده پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۸ سؤال (با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ درصد) به شیوه لیکرت طراحی شد. جامعه آماری در این فاز از تحقیق، شامل استادان و اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مدیریت و علوم اقتصاد سه دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و تربیت مدرس و مدیران مؤسسات غیر انتفاعی (با سطح تحصیلات دکتری) است که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. در این تحقیق کلیه استادان و اعضای هیئت علمی این ۶ دانشکده و مدیران مؤسسات غیر انتفاعی مورد توجه بوده‌اند، اما به لحاظ عدم همکاری و یا عدم حضور افراد

و نیز محدودیت‌های زمانی مجموعاً حجم نمونه‌گیری بالغ بر ۱۱۴ تن گردید که پس از توزیع پرسشنامه در بین این افراد، ۹۳ پرسشنامه (۸۱/۵۸ درصد) به محققین بازگردانده شد. پس از اجرای پرسشنامه‌ها، داده‌های خام پژوهش، از پرسشنامه‌ها استخراج و در نگاره اطلاعات کلی تنظیم شد، سپس کلیه اطلاعات از طریق نرم‌افزار آماری Spss (به‌وسیله آزمون فریدمن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **مرحله سوم:** در این مرحله به منظور ارائه راهکارهایی مناسب جهت رفع و یا کاهش آثار منفی استخراجی از مرحله دوم، پرسشنامه‌ای بازطراحی گردید و از ۲۰ تن از استادان و مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات غیر انتفاعی خواسته شد تا برای آثار ذکر شده راهکارهایی را پیشنهاد نمایند. سپس مهم‌ترین راهکارها به‌دست آمد.

#### ۴- یافته‌ها

الف) استخراج مهم‌ترین آثار و عواقب خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها از دیدگاه پاسخگویان: در مرحله اول تحقیق و در مسیر مطالعات اسنادی و پس از آن فرآیند برگزاری مصاحبه عمیق با کارشناسان، ۱۸ پیامد مثبت و منفی احتمالی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشف و دسته‌بندی شد. این آثار در پنج بعد (براساس سؤالات فرعی تحقیق) استخراج گردید. (نگاره شماره ۱)

نگاره شماره (۱) - معرف‌های به‌دست آمده از نظر پاسخگویان

| ردیف | متغیرها              | معرف‌ها   |
|------|----------------------|---|
| ۱    | اثر اقتصادی          | رقابتی شدن آموزش عالی و کسب درآمد دانشگاه‌ها                            |
| ۲    |                      | فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه                                    |
| ۳    |                      | صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت   |
| ۴    |                      | تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی و گسترش بخش خصوصی                               |
| ۵    | اثر سیاسی            | ایجاد اشتغال و شغل‌های جدید   |
| ۶    |                      | فقدان مشارکت در تشکل‌های سیاسی دانشگاه‌های خصوصی                        |
| ۷    |                      | عدم مشارکت دانشجویان در اعتراضات به دنبال خصوصی‌شدن دانشگاه‌ها          |
| ۸    | اثر علمی             | ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی                                 |
| ۹    |                      | کاهش نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه‌های خصوصی و افزایش کارآیی          |
| ۱۰   |                      | ارتقای وضعیت علمی در نظام آموزش عالی                                    |
| ۱۱   |                      | ایجاد تفاوت میان دانشجویان از نظر علمی                                  |
| ۱۲   |                      | عدم انتقال ارزش‌های رسمی نظام   |
| ۱۳   | اثر اجتماعی و فرهنگی | افزایش نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه |
| ۱۴   |                      | ایجاد تفاوت‌های فرهنگی میان دانشجویان                                   |
| ۱۵   | اثر ساختار اداری     | افزایش استقلال دانشگاه‌ها و ایجاد انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه‌ها     |
| ۱۶   |                      | کاهش فساد و انحراف ناشی از اختیارات دولتی در سطح دانشگاه‌ها             |
| ۱۷   |                      | کاهش بوروکراسی اداری و تمرکزگرایی                                       |
| ۱۸   |                      | افزایش ریسک تضاد اهداف حامیان مالی تحقیق دانشگاهی با اهداف علمی         |

ب) بررسی پرسشنامه‌ها و کشف اهمیت آثار از دیدگاه پاسخ‌دهندگان: در مرحله دوم تحقیق و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها،

ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان استخراج (نگاره شماره ۲) و سپس میزان پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه بسته به‌دست آمد. نتایج حاصل از ارزیابی اولیه در نگاره شماره (۳) قابل مشاهده است.

نگاره شماره (۲) - توزیع فراوانی و درصد فراوانی نمونه آماری بر اساس جنسیت و گروه سنی پاسخگویان

| جنسیت | فراوانی | درصد  | گروه سنی |      |       |
|-------|---------|-------|----------|------|-------|
|       |         |       | فراوانی  | درصد |       |
| مرد   | ۸۴      | ۹۰.۳۲ | ۳۰-۴۰    | ۱۸   | ۱۹.۳۵ |
|       |         |       | ۴۱-۵۰    | ۲۹   | ۳۱.۱۸ |
| زن    | ۹       | ۹.۱۸  | ۵۱-۶۰    | ۴۶   | ۴۹.۴۶ |
|       |         |       | مجموع    | ۹۳   | ۱۰۰   |

نگاره شماره (۳) - فراوانی و درصد فراوانی

متغیرهای تحقیق

| ردیف      | متغیر       | نام متغیر | فراوانی | درصد فراوانی | جمع |
|-----------|-------------|-----------|---------|--------------|-----|
| متغیر اول | اثر اقتصادی | بسیار کم  | ۳       | ۳.۲          | ۹۳  |
|           |             | کم        | ۱۹      | ۲۰.۴         |     |
| متغیر دوم | اثر سیاسی   | زیاد      | ۴۳      | ۴۶.۲         | ۹۳  |
|           |             | خیلی زیاد | ۱۲      | ۱۲.۹         |     |
| متغیر اول | اثر اقتصادی | متوسط     | ۱۶      | ۱۷.۲         | ۹۳  |
|           |             | زیاد      | ۴۳      | ۴۶.۲         |     |
| متغیر دوم | اثر سیاسی   | بسیار کم  | ۱۶      | ۱۷.۲         | ۹۳  |
|           |             | کم        | ۲۷      | ۲۹           |     |

معناداری حاصل می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری میان معرف‌های هر متغیر وجود دارد.

نگاره شماره (۵) - میانگین رتبه شاخص‌های مربوط به متغیر اول طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

| میانگین رتبه | معرف‌های متغیر اول                           |
|--------------|--|
| ۳/۰۶         | رقابتی شدن آموزش عالی و کسب درآمد دانشگاه‌ها |
| ۳/۸۳         | فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه         |
| ۳/۳۱         | صرفه جویی در هزینه‌های دولت                  |
| ۲/۸۸         | تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی و گسترش بخش خصوصی    |
| ۱/۹۲         | ایجاد اشتغال و شغل‌های جدید                  |

طبق نتایج به دست آمده از نگاره شماره (۵)، فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه با بالاترین میانگین (۳/۸۳)، بیشترین اثر اقتصادی و ایجاد اشتغال و شغل‌های جدید با پایین‌ترین میانگین کمترین اثر اقتصادی حاصل از خصوصی است. یکی از مشکلات سنجیدن آثار خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها در کشور، معلوم نبودن تعریف خصوصی‌سازی است. وجود عواملی چون عنوان «غیر انتفاعی»، لزوم سرمایه‌گذاری در چنین مؤسساتی، ترکیب هیئت مؤسس از اعضای علمی و اعضای سرمایه‌گذار و اصول اساسنامه تیپ وزارت علوم، یک تعریف بسیار نامشخص از خصوصی‌سازی در ایران ارائه می‌دهد. یکی از عمده‌ترین مشکلات تحقیق و سنجش

| متغیر سوم | اثر علمی     |         |
|-----------|--------------|---------|
|           | درصد فراوانی | فراوانی |
| ۷         | ۷۰.۵         | ۹۲      |
| ۲۵        | ۲۶.۹         | ۱۲      |
| ۱۹        | ۲۰.۴         | ۳۰      |
| ۳۰        | ۳۲.۳         | ۱۹      |
| ۱۲        | ۱۲.۹         | ۱۸      |
| ۹۳        | ۱۰۰          | ۲۴      |
| ۱۲        | ۱۲.۹         | ۱۸      |
| ۳۰        | ۳۲.۳         | ۱۸      |
| ۱۹        | ۲۰.۴         | ۱۸      |
| ۲۵        | ۲۶.۹         | ۱۸      |
| ۷         | ۷۰.۵         | ۱۸      |
| ۳۰        | ۳۲.۳         | ۱۸      |
| ۱۹        | ۲۰.۴         | ۱۸      |
| ۲۵        | ۲۶.۹         | ۱۸      |
| ۷         | ۷۰.۵         | ۱۸      |
| ۳۰        | ۳۲.۳         | ۱۸      |
| ۱۹        | ۲۰.۴         | ۱۸      |
| ۲۵        | ۲۶.۹         | ۱۸      |
| ۷         | ۷۰.۵         | ۱۸      |
| ۳۰        | ۳۲.۳         | ۱۸      |
| ۱۹        | ۲۰.۴         | ۱۸      |
| ۲۵        | ۲۶.۹         | ۱۸      |
| ۷         | ۷۰.۵         | ۱۸      |

پس از این مرحله نتایج به‌وسیله نرم افزار آماری SPSS و به کمک آزمون فریدمن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تجزیه و تحلیل در جداول زیر قابل رؤیت است.

#### نگاره شماره (۴) - نتایج آزمون فریدمن

| متغیر       | تعداد | درجه آزادی | سطح معناداری | آزمون آماری فریدمن |
|-------------|-------|------------|--------------|--------------------|
| متغیر اول   | ۹۳    | ۴          | ۰.۰۰         | ۱۶۳.۳۱۷            |
| متغیر دوم   | ۹۳    | ۱          | ۰.۰۰۳        | ۹.۰۰               |
| متغیر سوم   | ۹۳    | ۳          | ۰.۰۰         | ۲۷.۰۷۰             |
| متغیر چهارم | ۹۳    | ۲          | ۰.۰۰         | ۱۰۵.۹۴۹            |
| متغیر پنجم  | ۹۳    | ۳          | ۰.۰۰         | ۸۸.۲۱۰             |

طبق آزمون انجام‌شده فریدمن برای پنج متغیر فوق (طبق نگاره شماره ۴) و سطوح

خصوصی‌سازی وجود نداشتن درک یکسانی از تعریف خصوصی‌سازی برای اعضا و افراد حجم نمونه آماری تحقیق بوده است. بر این اساس محققین در این مطالعه، آثار و عواقب خصوصی‌سازی را بر مبنای آنچه در زمان حاضر در مؤسسات غیر انتفاعی و پیام نور و دیگر مواردی چون دوره‌های شبانه صورت می‌گیرد، مورد تحقیق قرار داده‌اند. از بعد اقتصادی، از آثار مثبت خصوصی‌سازی آموزش عالی می‌توان به مسئله رقابتی شدن آن اشاره نمود. اگر دانشگاه‌ها بتوانند از سلطه اختیارات وزارت علوم مانند تعیین سقف شهریه‌ها و تعداد دانشجوی و... رهایی یابند، می‌توانند رقابتی‌شده و حتی با افزایش کیفیت آموزشی و پژوهشی خود حتی با دانشگاه‌های دولتی نیز به رقابت بپردازند. با این حال پیمایش صورت گرفته نشان می‌دهد که به‌طور کلی فعالیت در عرصه آموزش عالی کشورمان فاقد فضای رقابتی مناسب است و شرایط به گونه‌ای است که دولت خود به عنوان یک رقیب اصلی برای بخش خصوصی عمل کرده و قدرت رقابت را از بخش خصوصی سلب می‌نماید. برای مثال دانشگاه آزاد نمی‌تواند یک دانشگاه خصوصی تلقی گردد. پیام نور یک دانشگاه دولتی است که به صورت خصوصی عمل می‌کند، از طرف

دیگر شبانه شدن دانشگاه‌های دولتی و همین‌طور گرفتن دانشجو در مؤسسات غیر انتفاعی تحت نظارت وزارت علوم، تأییدی است بر این مسئله که خود دولت رقیب اصلی برای بخش خصوصی است. در این راستا نظرات اخذشده از جامعه آماری تحقیق نشان می‌دهد که اعمال نفوذ وابستگان به دولت‌ها برای گرفتن مجوز خود به نوعی سبب غیر رقابتی شدن فعالیت‌ها در این بخش می‌گردد. از سویی دیگر بی‌ثباتی وضع اقتصادی کشور یکی دیگر از عوامل عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در این بخش است. ناپایداری وضعیت کشور و نبود ثبات و امنیت اقتصادی ناشی از تصمیمات متفرقه‌ای که در دولت گرفته می‌شود و حتی سخنرانی‌ها و بحث‌هایی که در بخش خصوصی آموزش عالی صورت می‌گیرد؛ تزلزل‌هایی را در امر سرمایه‌گذاری در این بخش به دنبال دارد. همچنین بر اساس تحقیقات صورت گرفته، اگر دریافت خدمات آموزشی را در سبد هزینه خانواده‌ها قرار دهیم، با وجود افزایش تمایل به تحصیل در دو دهه اخیر، خانوارها حاضرند از سبد هزینه کالاهای دیگر خود کاسته و قدرت ادامه تحصیل فرزندان خود را افزایش دهند و این بالا رفتن سطح تحصیلات در کشور و تبدیل آن به یک معیار



سبب کارآفرینی و ایجاد شغل‌های جدید گردد.

نگاره شماره (۶) - میانگین رتبه شاخص‌های مربوط به متغیر دوم طبق آزمون فریدمن به

ترتیب اهمیت

| میانگین رتبه | معرف های متغیر دوم   |
|--------------|--|
| ۱/۵۶         | فقدان مشارکت در تشکل‌های سیاسی دانشگاه‌های خصوصی               |
| ۱/۴۴         | عدم مشارکت دانشجویان در اعتراضات به دنبال خصوصی‌شدن دانشگاه‌ها |

مطابق نگاره شماره (۶)، فقدان مشارکت در تشکل‌های سیاسی دانشگاه‌های خصوصی با بالاترین میانگین بیشترین اثر اقتصادی و عدم مشارکت دانشجویان در اعتراضات به دنبال خصوصی‌شدن دانشگاه‌ها با پایین‌ترین میانگین کمترین اثر سیاسی حاصل از خصوصی‌سازی است. یکی از مشکلات سیاسی کشورهای جهان سوم به خصوص ایران، فعالیت‌های جنبش دانشجویی است. مطالعات این تحقیق نشان داد که دانشجویانی که شهریه می‌پردازند، اساساً فعالیت‌های دگراندیشانه کمتری نسبت به سایر دانشجویان دارند. حتی در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه پیام نور، یک تشکل سیاسی دیده نمی‌شود.

مثبت در جامعه از بعد فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی است. اما با وجود این، پرداخت شهریه‌های سنگین یکی از مهم‌ترین آثار منفی خصوصی‌سازی دانشگاه‌هاست که مطالعات صورت گرفته در خارج از کشور نیز این مسئله را تأیید می‌کنند و بیانگر این مطلب هستند که دولت‌های مختلف همواره می‌کوشند تا راهکارهایی جهت کاهش و یا حل این مشکل به کار گیرند. از طرفی تحقیقات نشان می‌دهد که درآمد خانواده‌های دانشجویان مراکز دولتی به مراتب بیشتر از مراکز خصوصی و غیر دولتی است. این مطلب ثابت شده است که دانشجویانی که برای ادامه تحصیل، مراکز خصوصی را در اولویت قرار می‌دهند، از خانواده‌های فقیرتری هستند، زیرا خانواده‌های آنها قادر به فراهم آوردن شرایط تحصیلی مناسب برای فرزندانشان در دوره دبیرستان و ماقبل آن نبوده و به مدارس بهتر، کلاس‌های آموزشی با کیفیت بالاتر و... دسترسی ندارند. از سویی دیگر در صورت اجرای یک خصوصی‌سازی درست در بخش آموزش عالی کشور، هزینه‌های دولت کاهش یافته و شرایط برای گسترش بخش خصوصی فراهم می‌گردد و همچنین با توجه به بازار گسترده اشتغال در ایران، می‌تواند تا حدی

کیفیت آموزشی در حال افول باشد. بنا بر نظرات جامعه آماری این تحقیق، ایجاد یک بازار رقابتی در میان دانشگاه‌های خصوصی، آنها را برای افزایش کیفیت برنامه‌های آموزشی و ارتقای وضعیت علمی برمی‌انگیزاند و سبب توجه بیشتر به استانداردهای آموزشی و پژوهشی در راستای افزایش خوشنامی این مؤسسات خواهد شد. در این صورت این مراکز خواهند کوشید تا با استفاده از استادان بهتر و کادر آموزشی مناسب و کاهش نسبت استاد به دانشجو و افزایش کیفی آموزشی خود، با دانشگاه‌های خصوصی دیگر و حتی با دانشگاه‌های دولتی به رقابت بپردازند.

#### نگاره شماره (۸) - میانگین رتبه

##### شاخص‌های مربوط به متغیر چهارم طبق

##### آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

| میانگین رتبه | معرف‌های متغیر چهارم  |
|--------------|---|
| ۱/۳۸         | عدم انتقال ارزش‌های رسمی نظام   |
| ۲/۵۷         | افزایش نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه |
| ۲/۰۵         | ایجاد تفاوت‌های فرهنگی میان دانشجویان                                   |

طبق نتایج به دست آمده از نگاره شماره (۸)، طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه با بالاترین میانگین بیشترین اثر اجتماعی و فرهنگی و عدم انتقال ارزش‌های رسمی نظام با پایین‌ترین میانگین کمترین اثر اجتماعی و فرهنگی حاصل از

#### نگاره شماره (۷) - میانگین رتبه شاخص‌های مربوط به متغیر سوم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

| میانگین رتبه | معرف‌های متغیر سوم  |
|--------------|---|
| ۲/۴۴         | ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزش و پژوهشی کاهش نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه‌های خصوصی و افزایش کارایی |
| ۲/۷۴         | ارتقای وضعیت آکادمیک در نظام آموزش عالی   |
| ۲/۵۰         | ایجاد تفاوت میان دانشجویان از نظر علمی  |

در مورد آثار علمی نیز می‌توان گفت که ارتقای وضعیت علمی در نظام آموزش عالی با بالاترین میانگین، بیشترین اثر علمی و کاهش نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه‌های خصوصی و افزایش کارایی با پایین‌ترین میانگین کمترین اثر علمی حاصل از خصوصی‌سازی است (نگاره شماره ۷).

یکی از مهم‌ترین مسائل خصوصی‌سازی آموزش عالی، عدم وجود آزادی علمی و وجود استانداردهای وزارت علوم برای محدود کردن فعالیت‌ها و از سویی تمایل به تخصیص هزینه‌های پایین در انجام فعالیت‌های علمی در کشور است. مسئله آموزشی دیگر در مؤسسات خصوصی و دولتی اعتقاد به مدرک‌گرایی است. ارزش‌شدن داشتن مدرک دانشگاهی یکی از مشکلات اساسی در بازار عرضه و تقاضای آموزشی است و این امر سبب شده است حتی در مؤسسات دولتی کشورمان، نسبت به گذشته،

تقریباً اصل رایگان بودن آموزش منتفی است. اما با وجود این، در زمان تصویب قوانین برای دانشگاه‌های آزاد غیردولتی نوعی دیدگاه از جنبه عدالت اجتماعی حاکم بوده و فقدان پشتوانه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در این امر احساس می‌گردد. نتایج این مطالعه نیز بیانگر ایجاد نوعی نابرابری اجتماعی و طبقاتی شدن آموزش عالی در کشور است که این خود می‌تواند سبب تغییر نگرش‌های اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی مابین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی گردد. از سویی جامعه آماری مورد مطالعه بر این اعتقاد بودند که تمایل دولت به تسلط و دخالت در امور اجتماعی دانشگاه‌ها یکی از موانع جدی شکل‌گیری دانشگاه‌ها در بخش خصوصی است؛ در حقیقت سیاست‌های کنترلی و نظارتی بسیار شدید هرگونه قدرت انعطاف را سلب کرده است. همچنین در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی نوعی عدم اعتماد وجود دارد که در مباحث و یا حتی سخنرانی‌های سالانه احساس می‌گردد و اساساً از نظر ارزشی یک نگرش منفی نسبت به امر خصوصی‌سازی به چشم می‌خورد. از دیگر مشکلات فرهنگی در سطح جامعه عدم شفافیت و آگاهی لازم در مورد روش‌های خصوصی‌سازی است. از

خصوصی‌سازی است. در این تحقیق به رغم تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی این دو در یک شاخص مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از موانع خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها مربوط به شیوه تفکر و نوع نگاه به اصل عدالت اجتماعی در جامعه ایران در سه دهه گذشته است. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که نوعی مغایرت بین این اصل و خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها قابل رؤیت است و به نوعی احساس بی‌عدالتی در ورود افراد به دانشگاه‌ها (با پرداخت شهریه) وجود دارد. از طرفی چون به‌طور کلی در ایران، امر کارآفرینی و سرمایه‌گذاری نوعی ارزش محسوب نمی‌شود، فعالیت خصوصی، شبیه به فعالیت سرمایه‌داری با عواقب منفی آن تلقی می‌شود که ارزش‌های سه دهه اخیر در ایران و به خصوص ارزش‌های انقلاب اسلامی در کشور، آن را تقویت نموده و این امر قابل تعمیم به تمام بخش‌های خصوصی بوده و دانشگاه‌ها نیز از این مسئله قابل تفکیک نیستند.

از سوی دیگر، به رغم تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش، با توجه به تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور و مؤسسات غیرانتفاعی و نیز گرفتن دانشجوی دوره‌های شبانه توسط دانشگاه‌های دولتی،

بیشترین و کاهش فساد و انحراف ناشی از اختیارات دولتی در سطح دانشگاه‌ها با پایین‌ترین میانگین کمترین اثر ساختاری اداری است (نگاره شماره ۹).

مطالعات صورت گرفته نشان داد که ساختار آموزش عالی در کشور به گونه‌ای است که دادن مجوز به شکلی سلیقه‌ای صورت گرفته و تسهیل‌گرانه نیست، حتی تغییرات نگرشی نسبت به سهامداران و نفوذ افرادی که مجوزهای لازم را اخذ می‌کنند، در راستای تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌های مربوطه صورت می‌گیرد. همچنین ساختار نظام‌های کنترلی و نظارتی شرایط یکسان و تثبیت‌شده‌ای ندارد. روشن نبودن سیاست‌های توسعه مشارکت مردمی و نیز دیوانسالاری و روان نبودن کار در وزارت علوم و قرار گرفتن آن با ساختاری دولتی برای انجام فعالیت‌های خصوصی در مؤسسات خصوصی از دیگر مسائل می‌باشد. همچنین بر اساس پیمایش صورت گرفته اجرای خصوصی‌سازی در این بخش نه تنها افزایش استقلال دانشگاه‌ها و انعطاف مدیریت را به دنبال دارد که سبب کاهش بوروکراسی و فساد ناشی از اختیارات دولتی خواهد گردید. خصوصی‌سازی آموزش عالی دولتی، همچنین ریسک تضاد اهداف حامیان مالی تحقیق

طرفی فواید و آثار مثبت خصوصی‌سازی در این بخش نه تنها برای جامعه که برای دست اندرکاران نیز به وضوح معلوم نبوده و افراد بر این باور نیستند که یک بخش خصوصی با ظرفیت بالا و با وجود راهکارهای توافقی برای اخذ شهریه از دانشجو می‌تواند یک فضای رقابتی مناسب را با وجود خدمات بهتر آموزشی به وجود آورد. از دیگر موارد مطرح شده در این بخش بحث جنبش‌های دانشجویی در جوامع در حال توسعه و در حال گذاری چون ایران است و همواره یک نگرانی از فاصله گرفتن از ارزش‌های مطرح در جامعه و ارزش‌های ترویجی دولت احساس می‌گردد.

نگاره شماره (۹) - میانگین رتبه شاخص‌های مربوط به متغیر پنجم طبق آزمون فریدمن به ترتیب اهمیت

| میانگین رتبه | معرف‌های متغیر پنجم   |
|--------------|---|
| ۳/۰۴         | افزایش استقلال دانشگاه‌ها و ایجاد انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه‌ها |
| ۲/۰۳         | کاهش فساد و انحراف ناشی از اختیارات دولتی در سطح دانشگاه‌ها         |
| ۲/۷۱         | کاهش بوروکراسی اداری و تمرکزگرایی                                   |
| ۲/۲۲         | افزایش ریسک تضاد اهداف حامیان مالی تحقیق دانشگاهی با اهداف آکادمیک  |

در میان آثار ساختاری نیز افزایش استقلال دانشگاه‌ها و ایجاد انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه‌ها با بالاترین میانگین

حاصل از آزمون آماري فریدمن آثار ساختار اداری از نظر پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین عامل بوده و کمترین اهمیت مربوط به آثار سیاسی است. ترتیب اهمیت پیامدهای مطرح‌شده به ترتیب اهمیت در نگاره شماره (۱۰) آمده است:

نگاره شماره (۱۰) - میانگین رتبه متغیرهای

تحقیق براساس آزمون فریدمن

| رتبه | متغیرهای تحقیق        | ترتیب اولویت |
|------|-----------------------|--------------|
| ۳/۸۳ | آثار ساختار اداری     | ۱            |
| ۳/۶۱ | آثار اقتصادی          | ۲            |
| ۲/۹۲ | آثار علمی             | ۳            |
| ۲/۷۳ | آثار فرهنگی و اجتماعی | ۴            |
| ۱/۹۱ | آثار سیاسی            | ۵            |

ج) برنامه‌ها و راهکارهای اجرایی: پس از اتخاذ نظرات مخاطبان تحقیق و افراد جامعه آماری، راهکارهایی اجرایی به‌دست آمد که بر اساس ابعاد پنج‌گانه تحقیق در زیر ارائه می‌گردد:

در بعد اقتصادی جامعه آماری تحقیق بیشترین تأکید را بر راهکارهای افزایش حمایت‌های مالی از دانشجویان مراکز خصوصی و جذب منابع جدید داشته‌اند. خلاصه پیشنهادهایی مطرح‌شده در نگاره شماره (۱۱) قابل مشاهده است.

در بعد مسائل و آثار سیاسی صاحب‌نظران بر این اعتقاد بودند که عواملی چون تعویض مدیران آموزش عالی و عدم

دانشگاهی با اهداف دانشگاه را افزایش می‌دهد. در این شرایط، دانشگاه‌ها نگران حمایت از آزادی علمی پژوهشگران و سهم کردن دیگر اعضای جامعه علمی در نتایج پژوهش هستند. قوانین بازار دیکته می‌کند که نتایج پژوهش‌ها یک کالای عمومی نیست، بلکه به مثابه کالایی است که فروخته می‌شود و استفاده انحصاری آن متعلق به خریدار است. از سویی تمایل به کسب سود می‌تواند بر خودمختاری پژوهش‌ها تأثیر گذاشته و ایده فناوری و پیشرفت را در اختیار خود گیرد. از آثار منفی این جریان کارآفرینی می‌توان به کاهش کنترل دولت، رواج فعالیت‌های تجاری و کارآفرینی به صورت غیر قانونی، کوتاهی در انجام فعالیت‌های بنیادین و اساسی دانشگاه‌ها، تبدیل شدن دانشگاه‌ها به یک نهاد اقتصادی و تجاری، کاهش کیفیت علمی تحقیقات و گرایش آنها به کسب سود بیشتر و... اشاره نمود.

همچنین در میان ۵ متغیر مطرح‌شده با درجه آزادی ۴ و درصد اطمینان ۹۹ درصد، سطح معنی‌داری برابر صفر و میزان آزمون فریدمن معادل ۱۶۷/۳۷۶ حاصل گردید که بیانگر تفاوت معناداری میان پنج متغیر موجود است. همچنین بر اساس نتایج

نگاره شماره (۱۱) - راهکارهای اقتصادی

| ابعاد/آثار  | خلاصه راهکارهای اجرایی  |
|-------------|---|
| بعد اقتصادی | اجرای برنامه‌ها و اقدامات زیربنایی اقتصادی در کشور  |
|             | اصلاح بازار کار و سیستم‌های دانشجویی (به ویژه با تأکید بر ارائه آموزش‌هایی برای اشتغال‌زایی فارغ التحصیلان) رفع بونوع و محدودیت‌های تجاری (اعمال معافیت مالیاتی و ارائه تسهیلات بانکی به دانشگاه‌های خصوصی) اصلاح اساسنامه «نیپ» دانشگاه‌ها به نحوی که تعیین تکلیف اموال مشخص بوده و به نحوی باشد که به خود سرمایه‌گذار برگردد. |
| بعد اجتماعی | اعطای وام‌های مناسب (well-designed loan scheme)؛ میزان این وام‌ها به اندازه‌ای است که هزینه‌های تحصیلی و هزینه‌های واقعی زندگی دانشجویان را پوشش دهد  |
|             | اعطای بورس یا کمک هزینه‌های تحصیلی از سوی دولت که درصدی از آن از حقوق ماهیانه دانشجویان و پس از فارغ‌التحصیلی باز پرداخت خواهد شد. تدوین طرح تقویت صندوق رفاه دانشجویان نظام آموزش دولتی و غیر دولتی پشتیبانی از مشارکت بخش خصوصی در اداره امور ستفی دانشجویان ایجاد تنوع در نظام پرداخت تسهیلات به دانشجویان                   |
| بعد فرهنگی  | یک نوع از طرح‌های ملی کمک مالی به دانشجویان نیز سیستم کمک به صورت مشروط است. برای مثال در هلند، کمک مالی به شکل وام صورت می‌گیرد، اما گرفتن همه یا بخشی از آن وام بستگی به نمرات و عملکرد دانشجویان دارد.   |
|             | ایجاد بسترهای مناسب جهت ایجاد شرکت‌های دانشجویی انجام تبلیغات گسترده در سایر کشورها، جهت جذب دانشجویان و نیز انعقاد تفاهمنامه در زمینه اعزام استادان به کشورهای همجوار و با ارزیابی دقیق  |
| بعد اقتصادی | کمک به ایجاد نهادهای مالی ریسک‌پذیر در امر سرمایه‌گذاری در پژوهش‌ها، مولف ساختن سازمان‌ها به ارجاع مشکلات خود در قالب طرح‌های پژوهشی. ایجاد انگیزه در کمک‌های نوع دوستانه و انجام امور خیریه  |
|             | ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و شرکت‌هایی است که تمایل به پرداخت کمک‌های مالی برای مقاصد آموزشی دارند   |
| بعد اجتماعی | اجرای سیاست‌های تشویقی مثل کاهش مالیات بر درآمد خیرین.  |
|             | توسعه دفتر ارتباط با صنعت استفاده از فعالان صنایع در هیئت‌های امنا رویکرد مشتری محور در فعالیت‌های دانشگاهی تقویت مکانیسم بازاریابی توسط دانشگاه‌ها افزایش اعتماد صنعت به دانشگاه‌ها  |
| بعد اقتصادی | کاهش رابطه صنعت و بازار و جذب منابع جدید  |
|             | توسعه دفتر ارتباط با صنعت استفاده از فعالان صنایع در هیئت‌های امنا رویکرد مشتری محور در فعالیت‌های دانشگاهی تقویت مکانیسم بازاریابی توسط دانشگاه‌ها افزایش اعتماد صنعت به دانشگاه‌ها  |
| بعد اقتصادی | اعطای مجوز فروش خدمات به بخش دولتی و خصوصی.   |

وجود بر فعالیت‌های دولت و نیز انحصار فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی توسط بخش دولتی و شبه دولتی از جمله مسائلی هستند که پیشروای انجام خصوصی‌سازی آموزش عالی قرار دارند. بر این اساس راهکارهایی کلی برای کاهش مشکلات سیاسی مطرح گردید که در نگاره شماره (۱۲) ارائه شده است.

نگاره شماره (۱۲) - راهکارهای سیاسی

| ابعاد/آثار  | خلاصه راهکارهای اجرایی   |
|-------------|--|
| بعد سیاسی   | ایجاد ثبات و پایداری در سیاستگذاری‌های مربوط به امور دانشگاه‌ها  |
|             | کم کردن فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت در بخش خصوصی و جلوگیری کردن از سیاست‌های دوگانه سهل‌گیرانه و سختگیرانه در برابر بخش دولتی و خصوصی.  |
| بعد اقتصادی | شایسته است دولت در سطح کلان سیاست‌های خود را در قبال فرآیندهای خصوصی‌سازی (به خصوص در زمینه آموزش عالی) شفاف سازد و تداوم اقدامات صورت‌گرفته در این زمینه را تضمین کند.  |
|             | شفاف‌سازی نحوه نظارت دیوان محاسبات بر دانشگاه‌ها   |
| بعد اجتماعی | تعیین شاخص‌های نظارت بر عملکرد دانشگاه‌ها  |
|             | تعیین نوع و سطوح نظارت و پاسخگویی  |
| بعد اقتصادی | دولت می‌تواند تیم‌هایی را با نمایندگانی حرفه‌ای از سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف، و مؤسسات دولتی و خصوصی برای بحث و بررسی و اصلاح برنامه آموزشی سازماندهی کند. یک مثال خوب از چنین ابتکاری همکاری بین وزارت علوم برزیل و کانون و کلا برای ایجاد یک برنامه درسی جدید برای رشته‌های حقوق و قانونگذاری است. |
|             | استفاده دولت از اهرم‌های نظارتی به منظور ایجاد رقابت میان دانشگاه‌های خصوصی و یا مستقل   |
| بعد اقتصادی | ارزیابی کیفیت آموزشی و اعتبارسنجی تمام مراکز خصوصی و تمام برنامه‌ها و مدارک توسط دولت  |

نگاره شماره (۱۳) - راهکارهای آموزشی و علمی

| ابعاد / آثار  | خلاصه راهکارهای اجرایی   |  |
|---|--|--|
| بعد علمی و علمی   | انعطاف‌پذیر کردن شیوه‌های آموزشی در مؤسسات خصوصی   |  |
|   | کاربردی کردن فعالیت‌های مؤسسات خصوصی به نحوی که بیشتر افراد صاحب‌نظر و متخصص تولید کند و نه فقط افراد دارای مدرک |  |
|   | کاهش تمایز بین فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با یکسان‌سازی دوره‌های آموزشی و پژوهشی بین این دو بخش    |  |
|   | تقویت هیئت علمی  | ایجاد نظام حمایت مالی از اعضای هیئت علمی   |
|   |  | تدوین طرح تقویت صندوق آتیه دانشگاهیان (تشکیل بانک دانشگاه)   |
|   | دانشگاه‌های خصوصی  | استفاده از سیستم پاداش و تسهیلات از طریق فرآیندی رقابتی و بر مبنای شایستگی‌ها  |
|   |  | پیگیری تسهیلات و تأمین از طریق منابع دانشگاهی برای حمایت از تحقیق و پژوهش  |
|   | بعد علمی و علمی  | یافتن معیارهای اصولی و قابل اطمینان برای اعطای اعتبارات آموزشی و پژوهشی و سایر امکانات به مراکز خصوصی  |
|   |  | اطمینان از وجود حداقل معیارها و موازین معتبر علمی در امر آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و ایجاد انگیزه برای درون‌جوشی دانشگاه‌ها در ارتقای معیارها |
|   |  | کنترل کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های خصوصی  |
| ایجاد یک نظام پایش و نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش عالی در تمامی مؤسسات (اعم از دولتی و خصوصی)  |  |  |
| تشکیل تیم‌های مستقل و آزاد که بتوانند بررسی کیفی دانشگاه‌های خصوصی را به درستی انجام دهند   |  |  |
| با توجه به بالا بودن میزان شهریه‌های دریافت شده از سوی دانشگاه‌های خصوصی باید در تدوین برنامه‌های آموزشی به علایق ذی نفعان به خصوص دانشجویان توجه کامل شود. |  |  |

نگاره شماره (۱۴) - راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

| ابعاد/آثار    | خلاصه راهکارهای اجرایی  |
|---------------|---|
| توسعه اجتماعی | زمینه‌سازی اجتماعی و قانونمند کردن خصوصی‌سازی   |
|               | ایجاد تفکر و بینش لازم برای گسترش آموزش عالی خصوصی در بین سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران کلان اجرایی آموزش عالی |
|               | ایجاد کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای رؤسا و مدیران دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی                             |
|               | تقویت دیدگاه مدیران نظام آموزش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه‌ها   |
|               | آگاه کردن افراد از هزینه‌های آموزش عالی و بازگشت سرمایه‌شان   |
|               |   |

در زمینه مسائل آموزشی و علمی صاحب‌نظران راهکارهایی را برای افزایش هرچه بیشتر سطح برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در مؤسسات خصوصی و افزایش تمایل استادان به انجام تحقیق و پژوهش را پیشنهاد نمودند که در نگاره شماره (۱۳) ارائه گردیده است.

در بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی اعضای جامعه آماری تحقیق پیشنهادهایی را به شرح نگاره شماره (۱۴) ارائه نمودند:

نگاره شماره (۱۵) - راهکارهای ساختاری

| ابعاد / آثار   | خلاصه راهکارهای اجرایی   |
|--|--|
| بعد ساختار اداری   | تثبیت روش‌های توسعه مشارکت مردمی   |
|  | از بین بردن فعالیت‌های دوگانه دانشگاه‌های دولتی  |
|  | ایجاد پایگاه اطلاعات جامع از توانایی‌ها و ضعف‌های دانشگاه‌های خصوصی  |
|  | تأسیس و راه‌اندازی بانک اطلاعات و قوانین و مقررات آموزش عالی و مصوب‌ها   |
|  | تقویت ستاد تحول اداری وزارتخانه در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹   |
|  | ایجاد نظام جامع ارزیابی دانشگاه‌های کشور   |
|  | تأمین، جذب و آموزش مدیران مالی کارآمد در دانشگاه‌ها  |
|  | تشکیل و تقویت هیأت‌های امنای دانشگاه‌های خصوصی و غیر انتفاعی و مجامع آموزش عالی به ویژه در زمینه کنترل کیفی و اعتبارسنجی   |
|  | کاهش دخالت وزارت علوم در اداره امور و تمرکز آن بر جنبه‌های آموزشی و پژوهشی   |
|  | افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذار  |
|  | باثبات کردن قوانین و تضمین قانونی دولت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی   |
|  | تغییر مؤسسات غیر انتفاعی به مؤسسات آموزش عالی ملی  |
|  | تصور ایجادشده از مؤسسه غیر انتفاعی یک مؤسسه غیر سود آور است و این انگیزه سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. تغییر این نگرش می‌تواند راهکاری در جهت حل مشکلات موجود باشد. |
|  | تدوین و اجرای قوانین حمایتی، امنیت لازم و زمینه مساعد برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی  |
|  | رسیدگی به فوریت‌های حقوقی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور  |
|  | دائمی کردن مفاد ماده ۴۹ ( استقلال و خودگردانی دانشگاه‌ها)  |
| یکپارچه‌سازی قوانین و مقررات آموزش عالی با مشارکت حقوقدانان و کارشناسان خبره |  |
| حفظ یکپارچگی و سنخیت قوانین خصوصی‌سازی با سایر قوانین و مقررات کشوری         |  |

مرحله انجام شد که در مرحله اولیه آن از افراد صاحب‌نظر خواسته شد تا در مصاحبه‌هایی عمیق و کیفی شرکت کنند و به بررسی موضوع بپردازند. پس از استخراج مهم‌ترین مؤلفه‌ها و طراحی پرسشنامه‌ای با سؤالات بسته به شیوه لیکرت و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، نظرات ۹۳ تن از استادان و صاحب‌نظران پرسیده شد. نتایج بیانگر این مطلب بودند که خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها در کشور می‌تواند به پیامدها و

در بررسی موانع ساختار اداری نیز کارشناسان حجم نمونه پیشنهادهایی را در زمینه کاهش تبعات منفی خصوصی‌سازی آموزش عالی و راه‌های تقویت قانونی و حمایتی از آن را مطرح نمودند (نگاره شماره ۱۵).

فرجام

در این مطالعه تلاش شد تا به بررسی پیامدها و آثار خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور پرداخته شود. این پژوهش در سه



هزینه‌های تحصیلی، وام‌ها و کوبین‌ها، ارزیابی صحیح فعالیت‌های استادان و تشویق آنها در جهت انجام پژوهش و تحقیق و اجرای صحیح فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها به گونه‌ای که آن را تبدیل به یک بنگاه تجاری نکرده و پژوهش و تعلیم را در آن مورد مخاطره قرار ندهد، از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به رفع مشکلات ناشی از روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور کمک کنند. همچنین شایسته است دولت از اهرم‌های نظارتی به منظور ایجاد رقابت در میان دانشگاه‌های خصوصی استفاده کند.

### منابع فارسی

۱. آراسته، حمید رضا و توران اسفندیاری (۱۳۸۹)، خصوصی‌سازی در آموزش عالی، *فصلنامه نشاء علم*، سال اول، شماره ۱
۲. ابراهیمی، یزدان (۱۳۷۵)، *خصوصی‌سازی آموزش عالی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران
۳. پولوس، ساخارا و وود هال (۱۳۷۳)، *آموزش برای توسعه*، ترجمه پریدخت وحیدی، سازمان برنامه و بودجه
۴. جانستون، بروس (۱۳۸۳)، *خصوصی‌سازی آموزش عالی*، ترجمه حمیدرضا آراسته، دایره‌المعارف آموزش عالی انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
۵. جعفری، پرویش (۱۳۸۹)، *ارائه مدلی مناسب برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در ایران*، قابل

عواقبی مثبت و یا منفی منجر گردد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به رقابتی‌شدن آموزش عالی، افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه، بهتر شدن وضعیت علمی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی‌شدن آموزش اشاره نمود. تعیین راهکارهای اجرایی جهت کاهش و یا رفع مشکلات و یا آثار منفی خصوصی‌سازی، از طریق پرسشنامه‌ای با سؤالات باز صورت گرفت و در نتیجه پیشنهادهایی در قالب ابعاد پنج‌گانه تحقیق استخراج شد. مطالعات نویسندگان مقاله در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی نشان داد که دانشگاه‌های ایرانی می‌توانند با ایجاد تفاهم‌نامه‌ها و بستن قراردادهایی با دانشگاه‌هایی از کشورهای دیگر زمینه رشد و تحرک خود را فراهم آورند. راه دیگر انجام تبلیغات گسترده در سایر کشورها، جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد تفاهم‌نامه در زمینه اعزام استادان به کشورهای دیگر است. بررسی‌های انجام‌شده در این تحقیق نشان داد که تشکیل تیم‌های مستقل و آزاد که بتوانند بررسی کیفی دانشگاه‌های خصوصی را به درستی انجام دهند و تنظیم استانداردهای آموزشی به منظور افزایش کیفیت آموزشی این مراکز و انجام حمایت‌های مالی از استادان و دانشجویان مانند پاداش‌ها، کمک

به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی عباس مقبل.

۱۴. روشن، احمدرضا (۱۳۸۸)، *خصوصی سازی آموزش عالی در ایران*، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۱۵. عزتی، میترا و ابوالقاسم نادری (۱۳۸۸)، تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی، مطالعه موردی، دانشگاه تهران، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۲

۱۶. عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۸)، *تأمین مالی آموزش عالی جایگاه دولت و بخش خصوصی*، سری مقالات همایش رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران

۱۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، *دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی*، نشر نی، تهران

۱۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۲)، *مقایسه شش الگوی دانشگاهی و نظام آموزش عالی*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

۱۹. محمودی، وحید (۱۳۷۵)، *امکان‌سنجی خصوصی سازی آموزش عالی با توجه به وضعیت توزیع درآمد و مصرف در کشور*، طرح پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد. کد طرح: ۷۶-۶/ع/۲/۲۸۰۷

۲۰. معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹)، *نرخ پوشش تحصیلی آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه*، گزارش راهبردی شماره ۹۹

دسترسی در سایت سازمان خصوصی سازی به آدرس: <http://www.ipo.ir>

۶. جونز، دی.آر (۱۳۸۳)، *خصوصی سازی در آموزش عالی*، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی، انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

۷. جیمز، ای (۱۳۸۱)، *تقسیم مسئولیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی*، ترجمه: عبدالحسین نفیسی، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران

۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، انتشارات سمت، چاپ دهم، تهران

۹. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۸)، *روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی*، انتشارات بازتاب، تهران

۱۰. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۵)، *پژوهش تحلیلی بر روند خصوصی سازی آموزش عالی*، قابل دسترسی در: [www.iranculture.org](http://www.iranculture.org)

۱۱. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۳

۱۲. رحیمی کلیشادی، رضا (۱۳۸۸)، *خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی آن*، پایگاه حوزه وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان. قابل دسترسی در: [www.hozeh.ir](http://www.hozeh.ir)

۱۳. رفیع پور، محسن (۱۳۸۱)، *بررسی تأثیر خصوصی سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده*

۲۱. معین، مصطفی (۱۳۸۳)، *استقلال دانشگاه، توسعه علمی کشور و اختتام فرصت‌ها*، مجموعه مقالات اولین همایش روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، قابل دسترسی در سایت فرهنگستان علوم کشور به آدرس: [www.ias.ac.ir](http://www.ias.ac.ir)
۲۲. ملکی، حمید (۱۳۸۵)، *تعیین مؤلفه‌های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، به راهنمایی نادر قلی قورچیان
۲۳. مهرگان، محمدرضا و محمود دهقان نیری (۱۳۸۸)، *مدل راهبردی ارزیابی مؤسسات آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۲
۲۴. هاشم نیا، شهرام، (۱۳۸۸)، *بررسی عوامل مؤثر بر درآمد‌های اختصاصی تحقیقات دانشگاهی در دانشگاه‌های صنعتی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۲
۲۵. یونسکو (۲۰۰۹)، *بیانیه کنفرانس جهانی آموزش عالی: پویای‌های جدید آموزش عالی و پژوهش برای تغییر اجتماعی و توسعه*، پاریس
- منابع لاتین
28. Agarwal, P. (2008), *Indian Higher Education: Needs, Gaps and Perspective*. Sage: NewDelhi (forthcoming).
29. Barr.N , Crawford.I (2005), *Financing High Education*, Routledge Press
30. Barr.N (2004), Higher Education Funding, *Oxford Review of Economic Policy*, Vol 20, No 2.
31. Bat-Erdene.R(2007), The Academic Profession at the Crossroads: Opportunities and Challenges, Presentation at the Regional Research Seminar for Asia and Pacific, *UNESCO Forum on Higher Education*. Research and Knowledge, September 17
32. Bistang C.R (2005), *Mobilization the Private Sector for Public Education*, J.F.Kennedy School of Government, Harvard, Massachusetts. October: 5-6.
33. Boarini, R., Martins, J. O., Strauss, H., Maisonneuve, C., Nicoletti, G. (2008). Investment in Tertiary Education: Main Determinants and Implications for Policy. *CESifo Economic Studies*. Vol. 54, No.2.
34. Boyd, W. (1999), International Aspects of Education Commerce, - Private Higher Education, Private Schools, For-Profit and Nonprofit Institutions, Public-Private Partnerships, *Encyclopedia of Education* (First edition)
26. Agarwal, Pawan. (2006), Higher Education in India: The Need for Change. *ICRIER Working Paper*, No. 180, NewDelhi
27. Agarwal, P. (2007), *Higher Education in India: Growth, Concerns and Change Agenda*. Higher Education Quarterly, Volume 61, No. 2.

- University, Globalization in Central Europe. Frankfurt and New York : Peter Lang.
44. Lyall. K (2006), The de Facto Privatization American Public Higher Education, *Chandeo*, No 7.
45. Marcucci, P. N. and Johnstone, D. B. (2007). Tuition Fee Policies in a Comparative Perspective: Theoretical and Political Rationales. *Journal of Higher Education Policy and Management*. Vol.29, No. 1.
46. McCowan. Tristan (2004), The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality, *Journal of Education Policy* 19(4).
47. Mora, J.G (2005), *Public-Private Partnerships in Latin America: A review based on four case studies*, prepared for the conference: Mobilization the Private Sector for Public Education, Co- sponsored by World Bank, Kennedy School of Government, Harvard University.October:5-6
48. Narayana, N. R. (2006), *Privatization Policies and Post Privatization Control Devices in Indias Higher Education: Evidence from a Regional Study and Implications for Developing Country Journal of Studies in International Education*.Association for Studies in International Education.Vol.10, No.1.
49. National Institute of Educational Studies and Research (2011) ([www.inep.gov.br](http://www.inep.gov.br))
35. Brown.K(2002), *The Right to Learning, Alternative for a Learning Society*, New York
36. Cabinet of Ministers of Ukraine Decree(2008), *On Some Issues of Student Stipend Provision*, March 5. Available at [www.mon.gov.ua](http://www.mon.gov.ua)
37. Council for Aid to Education (2010).Contributions to Colleges and Universities
38. Etzkowitz.H (2001),The 2ed Academic Revolution & the Rise of Entrepreneurial Science, *Technology and Science*, No 22(2).
39. Garsia, Cicilia and Walde, Klaus (2000) Efficiency and Effects of Subsidies to Higher Education, *Oxford Economic Paper*, No.52.
40. Hayton.A, Paczuska.A (2002), *Access, Participation and Higher Education, Policy and Practice*, London, Kogan page Limited
41. Holzhacker.D ,Chornoivan.O, Yazilitas.D, Ochir.K.D (2009), *Issue Brief, Privatization in Higher Education: Cross- Country Trends Policies, Problems, and Solutions*, Washington D.C, Available at [www.ihep.org](http://www.ihep.org).
42. IAU (International Association of Universities) (2000), Academic Freedom and University Autonomy
43. Kwiek, M., Mickiewicz, A. (2003). *The State, the Market, the Higher Education. Challenges for the New Century*, The

- Philippines ,Australia ,Poland and Iran, *Journal of Development and Society*. Vol:28, No.2.
58. Sivalingam.G(2006), *Privatization of Higher Education In Malaysia, Monash University Malaysia, School of Business*, Published by the Forum on Public Policy.
59. Tadmor.Z(2006), *The Trial Research University or a Post-20th-Century Research University Model, Higher Education Policy*. Available at : [www.palgravejournals.com/hep/journal/v19/n3/full/8300125a.html](http://www.palgravejournals.com/hep/journal/v19/n3/full/8300125a.html)
60. Tilak. J.B.G(2008), *Current Trends in Private Higher Education in Asia*, National University of Educational Planning and Administration ,India. Presented in International Conference of: Privatization in Higher Education ,The Samuel Neaman Institute Technion, Israel Institute of Technology ,Haifa, Israel.
61. Upcraft.M.L and MooreL.V(1990), *Evolving Theoretical Perspectives of Student Development*. In Margaret J.Barr, M.Lee Upcraft and Associates. *New Futures for Student Affairs*, San Francisco: Jossey -Bass Publisher.
62. WCHE (World Conference of Higher Education) (2002), *Social Responsibility and Academic Freedom and Autonomy*
63. Weiss.B (1996) *Technology Transfer from the Ivory Tower to the Marketplace*, Educate
50. NEA: National Education Association(2011) (<http://www.nea.org>)
51. NEA: National Education Association (2004), *High Education and Privatization*, Washington D.C,Vol.10.
52. Neelakantan, S. (2005), *Higher Education Proves No Match for India, Booming Economy, Chronicle of Higher Education*, Vol 51. Issue 39.
53. OECD (2007) ,*Funding Systems and High Educations Systems, OECD*
54. Paggotti.A. (2001), *Annual Meeting of the National Association of the Graduationand Research in Education (ANPED)*, October 7-11, 2001. Available at [www.anped.org.br/reunioes/24/T1121929591501.doc](http://www.anped.org.br/reunioes/24/T1121929591501.doc)
55. Roksa, J. (2008), *Structuring Access to Higher Education: The Role of Differentiation and Privatization. Journal of Research in Social Stratification and Mobility*.
56. Stormqvist G.H (2006),*Impact of Commercialization and Privatization of Higher Education. Conference on Management of Change : The Challenges Facing Universities, India, Hyderabad, September.*
57. Smolicz.J.J (1999) *Privatization in Higher Education :Emerging Commonalities and Diverse Educational Perspective in the*

Review 31(5) (September 1996). Available at  
[www.educause.edu/pub/er/review/reviewArticles/31539.html](http://www.educause.edu/pub/er/review/reviewArticles/31539.html)

64. World University Service (2002), *The lima Declaration on Academic Freedom and Autonomy of Institutions of Higher Education*. US.New York.
65. [www.ez.nl/Onderwerpen/Meer\\_innovatie/Nederland\\_Ondernemend\\_Innovatieland](http://www.ez.nl/Onderwerpen/Meer_innovatie/Nederland_Ondernemend_Innovatieland) (in Dutch). <http://www.msrt.ir>

پژوهش

عوامل مؤثر در سیاستگذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴